

بریکدیگر بودند دیدار و بران و اهل قام و رفیق درسی و خواندگار اخبار
دو زید بد پرستانه نشانند درخت و نوبختی نام و مشهور امانت باشد
فصل **کشمی** در تخیل ماه بسطاط نیکو بود دیدار و زوا و نوبت
دارد و صفت و معلقات چنان و بیع جواهر و سفر و حرکت
جامه بریدند و پوشیدند و طلب حاجت از بزرگان امانت در فصد
و حاجت **الاسد** تخیل ماه بسم نیکو بود دیدار و نوبت طلب
و اکار و خریدن اسب و رباقت دادن و طلب حاجت از ملوک و
و حاجت امانت بد جامه بریدند و پوشیدند **السبل** تخیل ماه بسم
نیکو بود دیدار و بران و اعمال و احباب بیوان و در سر علم خوانند
اخبار و ملکات و اندیشه و سخن و سفر و حرکت و جامه بریدند و
پوشیدند امانت در حاجت بعلما برداشتن و بار کردن **مهر**
تخیل ماه بمنزله نیکو بود دیدار زنا و فحاشی و فساد و فساد
و تفریح و شکر و بیع جواهر و برده و جامه و صورت کرمی و نوبت
و سفر و حرکت و طو بریدند و پوشیدند امانت بد خردت کردن
العقب تخیل ماه بعبود نیکو بود دیدار امر او بسالاد
و اهل سلاح و ملوک و شکر و زلف نگر با و برداشتن و حلیت کردن
و دار و خازن و کتابه را بریدند و فصد و حاجت امانت باشد
سفر کردن و عقد شکر و **القوس** تخیل ماه بعبود نوبت
نیکو بود دیدار قضاة و وزرا و اشراف و علمی و فصد و حاجت
و کتاب

و کتاب در اندام و فصد و حاجت و کتاب و خریدن اسب و لباس
دانش و دانغ نهادن حیوانات و اعمال آتش امانت بد ملا و مطرب
و مصلحت **المدی** تخیل ماه بجدی نیکو بود دیدار شایخ و در فین
و ملوک و فصد و بیع برده و خریدن ستور زین و کتاج جوی و کله نبره
عمارت اسلاک و سباب و خریدن صنایع و عقار و درخت شایخ
امانت بد سفر کردن و حرکت **الدلو** تخیل ماه بدو نیکو بود
دیدار شایخ و در فین و نهادن بنا و محکم و ساقط طلبت
و نیجات و خواندن علمیات و عمارت کردن امانت بد سون و با
بریدند **الموت** تخیل ماه بچوت نیکو است دیدار قضاة و علما
و اشراف و وزرا و طلب حاجت از شایخ و کتاب در اندام و دارو
خوردن و سفر و حرکت و جامه بریدند امانت بد درخت شایخ
و فصد کردن **فصل** در احکام معنی کواکب و راس
و ذنب و دروازه برج و کیفیت احوال بر طالع **الاول**
المطالع **شمس** در طالع بزرگ است بدیدار آمدن در میان مردم
و حرمت زیارت شود کسی از کمر بچرخ رسد یا در زانو یا پیش
پیدا شود در طالع بجا است رسد و کاری پوشیده بر سر خطا
شود و تخیلی اندک بخلا و از زوار رفته جزئی از آنجا آورده
رسد و از زوار مصیقت یابد **در طالع کار با برکت**
شود و طامها انقد و با مردم خلافا **مشیر** در طالع حال
یابد و حرمت نزد بیک عالمان و مؤمنان و عاقبت کار طر و طر بعد